

## (از سفته های رایج) شما حق ندارید به مقدسات توهین کنید!

این گفته را شبانه روز میتوان از مذهبیون شنید، شما حق توهین به مقدسات را ندارید!

متأسفانه این جمله در جوامع کوچک و بزرگ ایرانی بسیار شنیده میشود تا جایی که برای عده کثیری به شعار کلیشه ای و ثابت تبدیل شده است که **"به مقدسات مردم توهین نکنید!"**، **"به دین مردم کاری نداشته باشید!"**

آیا تابحال از خود پرسیده اید مقدسات یعنی چه؟ چه چیزهایی مقدس هستند؟ عده ای خداوند و دین را و عده ای علاوه بر اینها روحانیون و آخوندها و رهبران مذهبی را نیز جزو مقدساتشان حساب میکنند. مثلاً وقتی کسی از رهبر جمهوری اسلامی انتقاد میکند وی را به دلیل توهین به مقدسات دادگاهی میکنند! گروهی شریعت و برداشت خود از دین را مقدس میدانند و کسانی که مخالف برداشت آنها از دین هستند را مخالف و دشمن خدا مینامند.

اگر دقیق تر به مسئله نگاه کنید، مذهبیون برای افکار خود ارزشی والاتر و بالاتر از افکار دیگر قائل هستند و برای افکار خود امتیازی بالاتر خواستار هستند و آنرا در حفاظت تقدس قرار میدهند و کسی حق ندارد این مقدسات را نقد کند چون اینها مقدس هستند. آیا مذهبیون برای سایر افراد نیز چنین حقی را قایل هستند؟ آیا هرکس میتواند افکار و اندیشه های خود را مقدس بداند؟ فرض کنید انسانی به هویج علاقه شدید دارد و آنرا میوه مقدسی میدانند، آیا او میتواند از بقیه بخواهد که به مقدساتش احترام بگذارند؟ آیا اگر گاو برای هندو ها مقدس است، باید از دیگران نیز بخواهند که به گاو احترام بگذارند و به آنها بگویند شما حق ندارید گاو را بخورید و یا گاو آزاری کنید و به گاو توهین کنید.

مقدسات چه هستند؟ به چه چیز میگوییم مقدس؟ مقدسات در واقع موجودات و یا موهوماتی هستند که بو میدهند و بر پایه های فکری محکمی استوار نیستند. رابطه فیثاغورس رابطه مقدسی نیست چون قابل اثبات و نقد است. ارسطو آدم مقدسی نیست، اگر کسی بگوید ارسطو آدم احمق است کسی شمشیر و چماغ نمیکشد اما محمد رسول الله انسان مقدسی است و نقد و انکار وی توهین به مقدسات است. **دلیلش هیچ چیز نیست جز اینکه آخوند ها و مذهبیون چون از نقد میترسند و پاسخی برای انتقادها نداشته و ندارند، با مقدس کردن مفاهیمشان صورت مسئله را پاک میکنند.** حاله تقدس محکم ترین حفاظ امنیتی برای موهومات و مفاهیم خرافی است که آنها را از نسیم خردورزی و نقد موشکافانه و تفکر منتقدانه حفظ میکند.

نیروی جاذبه توسط نیوتون کشف شد و نیوتون تئوری هایی در مورد جاذبه ارائه کرد، آیا شما میبینید که عده ای روزی پنجاه بار با صدای بلند بگویند هیچ قانونی بجز جاذبه وجود ندارد و نیوتون کاشف جاذبه است؟ آیا نیازی هست که ما اینقدر برای یک واقعیت که میتوان آنرا ثابت کرد اینقدر تظاهر کنیم و اینقدر تکرار کنیم که جاذبه وجود دارد و هر کس جاذبه را قبول نداشته باشد سخت در اشتباه است؟ هرگز! اما چرا مسلمانان بارها باید در روز بگویند لا اله الا الله و محمد رسول الله؟ و هر کس ضد این را بگوید دارد به مقدسات توهین میکند؟ پاسخ خیلی واضح است! چون این مفاهیم هیچ پایه و اساس عقلی و علمی ای ندارند. و مسلمانان باید بارها و بارها این جملات را تکرار کنند که به عنوان یک سری اصول در ذهنشان جا بگیرد و مبدا به این فکر بیافتند که هیچ خدایی جز الله وجود ندارد و محمد پیامبر نیست و اصولاً پیامبری وجود ندارد و مفاهیم دینی بی پایه و افسانه ای هستند.

معمولاً کسانی که میگویند **"به مقدسات مردم توهین نکنید!"** به مردم کاری ندارند، منظورشان این است که **"به مقدسات من توهین نکن!"**

اینها چون حاضر نیستند از مفاهیم کهنه و پوسیده خودشان دست بردارند مردم را بهانه میکنند. اینگونه افراد از گفتن اینکه باورمند به دین هستند شرم دارند زیرا اعتراف آنها به دیندار بودنشان باعث میشود به شدت بیخرد و خرافاتی به نظر برسند، لذا مردم را بهانه میکنند زیرا از شنیدن نظرات مخالف هراسانند.

اصولاً حقوق در قوانین مشخص و تعیین میگردند، شما بعنوان یک انسان در هر جایی که هستید حقوقی دارد؛ حقوقی که شما دارید و یا ندارید بنا به موقعیت جغرافیایی شما متغیر هستند، بعنوان مثال شما در ایران حق ندارید از ماهواره استفاده کنید و در اکثر کشورهای غربی این از حقوق شما حساب میشود. بنابر این حقوق شما به موقعیت جغرافیایی شما بستگی دارد. حال وقتی به شما میگویند شما **"حق ندارید به مقدسات توهین کنید"** باید دید که آیا واقعا به چنین چیزی اعتقاد دارند و یا منظورشان این است که **"من خواهش میکنم به افکار من توهین نکنید!"** اگر منظورشان واقعا این است که شما چنین حقی را ندارید باید به حقوق مکانی و جهانی خود مراجعه کنید و ببینید آیا این در حقوق و قوانین چیزی در مورد اینکه به مقدسات نباید توهین کرد آمده است؟!

غیر از قوانین عقب مانده کشورهای مَثَل ایران و عربستان، تقریباً در تمامی کشورهای جهان چنین قوانینی سالاهاست که دیگر وجود ندارد. افکار مذهبی هیچ امتیاز ویژه ای نسبت به سایر افکار ندارند و باید در مقابل انتقادات پاسخ دهند. و اگر شما ساکن کشورهای عقب مانده نیستید حق دارید به مقدسات انتقاد و حتی توهین کنید. شایان ذکر است اگر ساکن کشورهای عقب مانده نیز هستید و حق ندارید به مقدسات توهین کنید باید به این نکته توجه داشته باشید که اشخاص مذهبی پلیس نیستند که به شما تذکر قانونی بدهند. اگر شکایتی از شما دارند نمیتوانند خودشان تذکر دهند، خودشان دادگاهی کنند خودشان حکم را اجرا کنند.

البته برخی از قوانین، مانند قوانین حقوق بشر (حقوق بشر چیست؟)، جهانشمول هستند و در همه جا ثابت هستند. برخی از افراد گمان میکنند انتقاد از اسلام با حقوق بشر در تضاد است، در هیچ یک از مواد اطلاعیه حقوق بشر سازمان ملل، حرفی از "احترام به دین" نیامده است، این افراد احترام به حقوق دیندار را با احترام به دین، دیندار به اشتباه یکی میدانند.

کسی که به محمد رسول الله اهانت کند و با وی به دشمنی بپردازد حکمش از نظر علمای اسلامی مرگ است و خونش حلال است، البته حکم کسی که به امامان، خدا و حتی به فرشته ها نیز توهین کند باید به سرعت گشته شود و پیاده شدن این حکم نیاز به دادگاه و قاضی ندارد، یک مسلمان خود میتواند این حکم را در هر شرایطی پیاده کند، دلیل این حکم سنگین بسیار مشخص است. وقتی مسلمانان از امامان و خدایشان میخواهند که برایشان کارهای غیر طبیعی کنند، آنها را قدرتهای فرا بشری و آسمانی ای فرض میکنند که کارهای خارق العاده انجام میدهند. اما وقتی که شخصی به این امامان و پیامبر و خدا توهین میکند آنها میبینند که این خدا و امامان و پیامبرشان حتی نمیتوانند با دشمنانشان برخورد کنند، در واقع آن شخص خط بطلان میکشد روی این فرضیات غلط مسلمانان، برای همین است که این توهین ها ایمانشان را ضعیف میکند و ممکن است آنها را بر سر عقل بیاورد، و چون از این اتفاق شیرین بیم دارند، اهانت به مقدساتشان را بر نمیتابند.

این خود ما را یاد داستان ابراهیم و نابود کردن بتهای قوم خود می اندازد، ابراهیم بت ها را میشکند و میگوید ببینید این بتها حتی از خود نمیتوانند دفاع کنند، پس نیرویی ندارند، به عبارت دیگر ابراهیم از بتها یک عمل را انتظار داشت و میخواست از آنها امتحان بگیرد، در مورد مسلمانان نیز دقیقاً همین مسئله است. بت نامرئی و آسمانی آنها الله چون موجودی خیالی و غیر حقیقی است هیچ کاری را در واقع نمیتواند انجام دهد و حتی قدرت دفاع از خود را نیز ندارد. اگر کسی به او توهین کند او نمیتواند هیچ غلطی بکند. این مسلمانان هستند که باید به پاری الله بیایند و از او دفاع بکنند و دشمنانش را بکشند، و این خود بسیار مضحک است. بنابر این توهین کردن به اسلام، یک خدا شکنی است که شباهت بسیاری با بت شکنی ابراهیم سامی دارد. هر دو در جهت مبارزه با خرافات و جهل انجام میگیرند و هر دو یک نتیجه میدهند.

اما نکته ای که باقی میماند این است که آیا این افراد که افکار خود را مقدس مینامند و احترام به عقایدشان را خواهش دارند، خود برای دیگران و افکارشان احترامی قائل هستند؟ آیا مسلمانان به مقدسات دیگران احترام میگذارند؟!

محمد رسول الله نیز بعد از فتح مکه به بت خانه کعبه رفت و همه خدایان و بت های مختلف و مقدسات دیگران را نابود کرد. مسلمانان میگویند بت پرستی حماقت است و لذا اجازه به خود دادند که بت ها را نابود کنند. طالبان مجسمه بودا را ویران کرد، آیا این تنها مقدسات شما هستند که باید به آنها احترام گذاشت؟!

اگر مسلمانان گمان میکنند بت پرستی حماقت است، و به خود اجازه میدهند که به مقدسات بت پرست ها توهین کنند، آیا بیخدایان حق ندارند که به خداپرستی که به گمان آنها حماقت است توهین کنند؟ آیا غیر از این است که اگر بیخدایان و خردگرایان بخواهند با مسلمانان همانگونه رفتار کنند که محمد پیامبر اسلام با دگر اندیشان خود رفتار کرد، باید تمامی مساجد را با خاک یکسان کنند؟ اما بیخدایان هرگز چنین کاری را نخواهند کرد زیرا محمد یک انسان حقیر و بی اخلاق است که مقدسات دیگران و خدایشان را نابود کرد و بیخدایان ملتزم به اصول اخلاقی و حقوقی هستند و هرگز چنین کاری را نخواهند کرد.

از این گذشته در تاریخ آمده است که پیامبر اسلام به خدایان قریش فحش میداد و قریش در مقابل تلاش میکرد با دیپلماسی و گفتمان مسئله را حل کند، سند این واقیعت در سیرت الرسول میخوانیم که قریش از محمد گلایه داشتند که او به خدایشان دشنام میداده است، مثلاً:

سیرت رسول الله، ابن هشام، صفحه ۲۶۹

ابو جهل بن هشام، و امیه بن خلف، جمله در فنای کعبه حاضر شدند و با یکدیگر مشورت کردند و گفتند: نمیدانیم که چه تدبیر کردیم با این مرد، یعنی محمد، علیه السلام، که دین ما را بخلل آورد و قوم ما را از راه ببرد و خدایان ما را دشنام داد.

اسلامگرایان باید توجه کنند که بیخدایان و خردگرایان همان احساس را در مورد مسلمانان دارند که محمد نسبت به بت پرستها داشت، یعنی از نظر ما رفتار مسلمانان بسیار شبیه به بت پرستان است و حتی عقایدشان نیز. شاید حتی بتوان بت پرستها را به دلیل اینکه حداقل چیزی را میپرسیدند که وجود خارجی داشت برتر از مسلمانان دانست که چیزی را میپرسند که حتی وجود نیز ندارد، لذا اگر الگوی رفتاری مسلمانان پیامبر است، نباید از بیخدایان انتظار داشته باشند که به آنها احترام بگذارند بلکه باید انتظار داشته باشند که خردگرایان و بیخدایان نیز به خدای آنها دشنام دهند!

اما باید دید این اشخاص که انتظار احترام به مقدساتشان را از ما دارند، از چه مقدسات و خداوندی صحبت میکنند. آیا توهین نکردن تنها وظیفه بیخدایان و خردگرایان است؟ و یا اینکه آنها نیز خود را موظف به احترام به عقاید دگر اندیشان میدانند؟ به چند آیه در قرآن در مورد دگر اندیشان توجه کنید:

#### سوره توبه آیه ۲۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.

ای کسانی که ایمان آورده اید، مشرکان نجسند و از سال بعد نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند و اگر از بینوایی می ترسید، خدا اگر خواهد به فضل خویش بی نیازتان خواهد کرد زیرا خدا دانا و حکیم است.

#### سوره غنایم جنگی (انفال) آیه ۲۲

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ.

روزی همه را گرد آوریم، سپس به آنها که شرک آورده اند بگوییم: آن کسان که می پنداشتید که شریکان خدایند اکنون کجایند.

#### سوره غنایم جنگی (انفال) آیه ۵۵

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ.

هر آینه بدترین جنبندگان در نزد خدا آنهاياند که کافر شده اند و ایمان نمی آورند.

#### سوره ماده گوساله (بقره) آیه ۱۶۱

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمُ لعنةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ.

بر آنان که کافر بودند و در کافری مردند لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم باد.

#### سوره ماده گوساله (بقره) آیه ۱۷۱

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَتَّعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءَ وَوِدَاءَ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌّ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ.

مثل کافران، مثل حیوانی است که کسی در گوش او آواز کند، و او جز بانگی و آوازی نشنود اینان کرانند، لالانند، کورانند و هیچ در نمی یابند.

خداوند خیالی اسلام به کسانی که نمیتوانند وی را قبول داشته باشد میگوید نجس! به آنها میگوید جانور! از محمد حدیث است که مخالفان ما اکثرا حرام زاده هستند! آیا ما هم اجازه داریم به شما بگوییم مسلمانان نجس هستند؟! آیا ما هم اجازه داریم بگوییم محمد حرام زاده است؟! یا این فقط مسلمانان هستند که باید احترام شوند و افکارشان مقدس است! مسلمانانی که خداوند و پیامبرشان از شعور اولیه اخلاقی برخوردار نیستند چگونه انتظار دارند که به آنها احترام گذاشته شود؟!

خداوند در بیش از ۱۰ جای قرآن لعنت کرده است و انواع و اقسام آدمها را مورد لعن و نفرین قرار داده است، آیا مسلمانان به ما نیز اجازه میدهند آنها و پیشوایان دینشان را لعنت کنیم؟ آیا وقتی قرآن به ما میگوید نجس، ما نیز میتوانیم به قرآن و محمد رسول الله بگوییم نجس؟! باید از اسلامگرایان پرسید که آیا کلمه "نجس" توهین است یا نه؟ آیا تمثیل کافران به حیوانات و جانور خواندن آنها توهین آمیز هستند یا نه؟ اگر هستند که پس چرا آنها از ما انتظار دارند به آنها و عقایدشان احترام بگذاریم؟ اگر نیستند باید به آنها گفت که دین خدا و پیغمبر و کتاب شما نجس هستند و خود مانند حیوانات چهارپایی هستید که هیچ در مغزتان نمیگنجد مگر خرافات دینی و لعنت بر شما! و اینها هیچ کدام توهین آمیز نیستند!

بسیاری به اشتباه معتقدند عقاید قابل احترام هستند و باید به عقاید احترام گذاشت! این هم حرف کلیشه ای و بی اساسیت، این موجودیت و انسانیت انسانهاست که شایسته احترام است نه افکارشان، آیا باید به افکار خمینی و هیتلر و محمد رسول الله احترام گذاشت؟! آیا مفاهیم جنایی قرآن " آیات جنایی قرآن را بخوانید " قابل احترام هستند؟

کسی که کینه نسبت به ائمه اطهار و پیامبر یا خدا داشته باشد و به آنها اهانت کند قتلش در قوانین کثیف اسلامی جایز است. دلیلش هم این است که این توهین ها و تمسخر ها همچون آتشی به جان اسلام و خرافات هستند و اگر این کار باب شود فاتحه دین و خرافات خوانده است و چون آخوند ها این را خوب میدانند این قوانین را بسیار جدی میگیرند. و از این طرف دنیا برای مردم آنطرف دنیا فتوای قتل صادر میکنند. جالب است که تمام فرشتگان و امامان و خود خدا در مورد شخصی مثل سلمان رشدی هیچ غلطی نمیتوانند بکنند و وی هنوز بعد از دریافت فتوای قتل زنده است و ضد اسلام سخن میگوید. این همه داعی که مسلمانان میکنند و از دوست خیالی خود میخواهند که دشمن اسلام را نابود کند هیچکدام عملی نمیشود مگر اینکه مسلمانان با دست خود چنین کاری را بکنند.

باید توجه داشت که فحاشی کردن با توهین کردن دارای دو مفهوم مختلف هستند، فحش دادن یعنی از کلمات زشتی که مشخص هستند استفاده کردن، اما توهین کردن یعنی واقعبیت هایی را دروغ جلوه دادن و یا بر واقعبیت هایی را راست جلوه دادن، مسلماً وقتی شما میگویید محمد بچه باز بوده است، این فحاشی نیست، اما از نظر مسلمانان یک توهین است. چرا چون آنها این را دروغ میدانند و فکر میکنند واقعا دخترها در عربستان ۱۴۰۰ سال پیش زود به سن بلوغ میرسیده اند. در حالی که ما این را قبول نداریم، حال ما این را چگونه باید بیان کنیم که توهین به عقاید اسلامگرایان نشود؟

مسلمانان از خدا و شیعیان از امامان و معصومینشان طلب کمک در کارهای روزمره شان را دارند. مثلاً دعا میکنند که بیبی دو عالم فاطمه زهرا لطف کند و چک های برگشتی آنها را پاس کند یا بیماری هایشان را شفا بخشد و فرزندانشان را حفظ کند. یعنی آنها برای امامانشان قدرتهای فیزیکی و عجیب غریبی را دارا میدانند. حال چگونه است که خودشان باید به کمک این ۱۴ معصوم و خداوند بیابیند و بخواهند از حیثیت آنها دفاع کنند؟ اگر ما به خدا فحش بدهیم این مسئله بین ما و خداوند است، اگر خداوند واقعا وجود دارد برای چه باید یک انسان دیگر وکیل مدافع خدا بشود؟ مسئله ما با امامان شیعی و پیامبر هم همینطور است، بنابر این به مسلمانان بگویید در مسائل شخصی ما بین خدا و معصومین دخالت نکنند، امامان و خدا اگر وجود داشته باشند باید، حضرت علی ای که با یک دست در خیبر را میکند و خدایی که در یک لحظه خروس و طاووس و ملخ و شتر می آفریند خودشان میدانند چگونه از خودشان دفاع کنند البته اگر فرض محال کنیم که وجود داشته باشند که میدانیم ندارند.

اسلام خود توهینی بزرگ به انسانیت و خرد و ارزشهای انسانی است. احترام گذاشتن به اسلام کاری بی نهایت غیر اخلاقی و غلط است، احترام به اسلام برابر با احترام به کشتار و خشونت و حماقت و انسان ستیزی و زن ستیزی و بی عدالتی موجود در اسلام و تایید آن است، یک انسانگرا هرگز به اسلام احترام نخواهد گذاشت، مگر اینکه از آنچه واقعا اسلام می آموزد نا آگاه باشد و یا اینکه فرصت طلب و دروغ گو باشد.

در نهایت باید گفت توهین به خرافات استراتژی خوبی برای مقابله با خرافات نیست، اما تحقیر و تمسخر حماقت، در کنار روشنگری و تغذیه فکری بسیار سودمند و عالی است.

توسط آرش بیخدا

<http://efsha.no-ip.org>